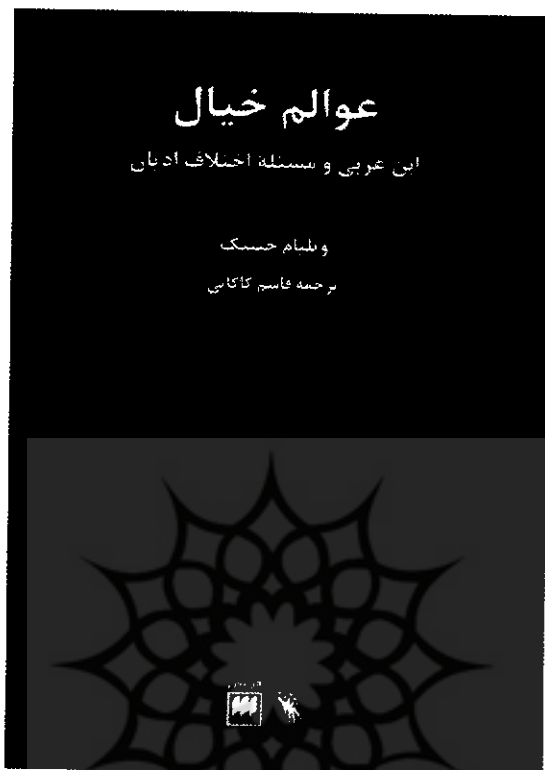




فصلنامه علمی-پژوهشی در زمینه ادبیات و فلسفه اسلامی



زجاج دن گل هر صورتی شد

محمد جواد ادبی

عوامل خیال، ابن عربی و مسئله اختلاف ادیان

ویلیام چیتیک
ترجمه: فاسم کاکایی
هرمس
۱۳۸۴

برای شناخت این شخصیت و دستگاه عرفانی وی، هزار نکته باریکتر از مو هنوز ناگفته مانده است اما باید به حق گفت که در کنار شرفیان، غربیان و شخصیت‌هایی نظیر هانری کرین، توشیهیکو ایزوتو و دیگران کوشیده‌اند از این نکته‌های ناگفته به قدر وسع خویش، حقایقی را از هزاران حقیقت پنهان عرفان ابن‌عربی، بازگو نمایند. در این میان شخصیت اندیشمند روزگار ما ویلیام چیتیک که از ابن‌عربی شناسان مبرز معاصر است نیز کوشیده در چهار اثر مختلف به جوانب شخصیت و اندیشه شیخ اکبر، عطف توجه نماید، چنانکه زوایای بیشتری از نظام اندیشه‌ای او را بر ما آشکار نموده است.

یکی از این آثار «عوامل خیال I maginal worlds» است که نویسنده در آن کوشیده به نحوی مختصر اما عمیق به همه جوانب جهان‌بینی ابن‌عربی بپردازد و یک دوره اصول دین را، شامل توحید (وحدت وجود) نبوت (انسان کامل) و معاد از منظر عرفانی ابن‌عربی مورد مذاقه قرار دهد. در عین حال می‌توان اذعان کرد این کتاب یکی از بهترین کتبی است که به وضعیت و موقعیت اخلاق و شریعت در نظام وحدت وجود ابن‌عربی پرداخته و کوشیده «مسئله عبودیت» را که می‌توان آنرا ایدئولوژی ابن‌عربی دانست، به نحوی شایسته تقریر نماید و

بر سر سفره عرفان اسلامی، نعمات گونه‌گونی یافت می‌شود که هر کدام از آن نعمات را دریادلی از آنسوی دریا به ارمغان آورده است، اما آنکه خود میر بزم است و این خوان را گسترده، اقیانوس ناپیداگرانه‌ای است که رشک همه دریادلان را برمی‌انگیزد. ابوبکر محمدبن‌علی، معروف به شیخ اکبر محی‌الدین ابن‌عربی، این اقیانوس بی‌کرانه است که سفره طویل عرفان اسلامی به یمن او مملو از نعمات بدیع و بی‌نظیر گشته است.

وی که در ۵۶۰ در مرسیه اندلس به دنیا آمد و در ۶۳۸ در دمشق چشم از جهان فروبست به عنوان پدر عرفان نظری اسلامی شناخته شده است چراکه نامدگان و رفتگان پیش از او و پس از او بنایی به عظمت بنای او خلق نکرده‌اند. تئوری «وحدت وجود» وی طوفانی در اقالیم تفکر عرفانی بپا کرد که هنوز هم آثار آن پابرجاست.



ترجمه قاسم کاکایی که بیشتر کتاب «وحدت وجود در دیدگاه ابن عربی و اکهارت» را نوشته بود نیز، دستیابی به معانی کتاب را آسان تر نموده است.

از آنجایی که عنوان فرعی این کتاب «مسئله اختلاف ادیان» است و یکی از مباحث پرجاذبه و پرجالبش زمانه ما پلورالیسم دینی است، ویلیام چیتیک کوشیده در مقدمه به این امر امعان نظر داشته باشد که ابن عربی اختلاف عقاید را نه تنها موجب آشفته‌گی نمی‌داند بلکه برعکس آن را یکی از نشانه‌های متعدد پیشی گرفتن رحمت خداوند بر غضب او می‌انگارد.

مؤلف در مقدمه کتاب با مقایسه ابن رشد و ابن عربی و داستان دیدار ابن عربی در خردسالی با فیلسوف شهیر اندلس، ابن رشد، تلاش می‌کند به سرنوشت دوگانه اسلام و غرب در باب فلسفه و عرفان عطف عنان نماید تا از این رهگذر نقش مکتب ابن عربی را در حیات عقلانی اسلام و هماهنگی عقل استدلالی و ادراک معنوی، مورد بازخوانی قرار دهد.

کتاب از ده فصل تشکیل شده که مؤلف در آنها جد و جهد بلیغ نموده تا دیدگاه ابن عربی را نسبت به اختلاف ادیان از یک‌سو، تقیه بی‌چون و چرای وی نسبت به شریعت اسلام از دیگر سو و چگونگی سازگاری آنها را با یکدیگر بیان نماید. بخش اول کتاب که از فصول چهارگانه‌ای تشکیل شده بر محوریت کمال انسان و نسبت عالم کبیر با عالم صغیر و جایگاه تئوری وحدت وجود فهم این ترابطها مطالبی را بیان نموده است. در فصل اولین این بخش که وحدت وجود نام دارد، چیتیک، کثرت را در دیدگاه ابن عربی به اندازه وحدت واقعی و اساسی می‌داند اما آنرا از اعتباری برابر با وحدت نمی‌نگرد بلکه معتقد است حق تعالی عین مظاهر است در حالی که تنها وجود او وجود محض و حقیقی است.

وی در این فصل پس از بحث تشبیه و تنزیه و اینکه شیخ هرودی این امور را برگرفته حقیقت وجود را هم بی‌نهایت متعالی از اشیاء و هم همواره جایگزین در آنها می‌داند. فصل دوم به انسان کامل و عالم صغیر و عالم کبیر اختصاص یافته و مشخص است که مؤلف بر مبنای اصل «الانسان عالم صغیر مجمل و العالم انسان کبیر مفصل» کوشیده جامعیت انسان را در تجلی اسماء و صفات الهی نمایان سازد. وی در این فصل اذعان می‌دارد که شیخ از مقام انسان کامل تحت عنوان عبودیت یاد نموده است و قرب الهی را در بندگی دانسته است. در فصول سوم و چهارم با عطف توجه به مباحث فرعی تری چون اخلاق و اباحی‌گری و معرفت نفس و فطرت انسان، این امر پی گرفته شده است که اباحی‌گری در نظام اندیشه‌ای ابن عربی جایگاهی ندارد و معرفت نفس حاصل نمی‌شود مگر اینکه علم به تکون الهی فطرت انسان حاصل آید.

مباحث زیر مجموعه‌ای مکارم و رذایل اخلاقی و ادراکات خیالی و معرفت نفس و بقا و فنا و نیز به طور اجمال در این دو فصل اخیر مورد توجه قرار گرفته‌اند، خصوصاً اینکه چیتیک در قسمت ادراکات خیالی نوشته است که، ابن عربی شهود زیربنایی توحید را با وسعت عظیم عالم خیال به انحاء گوناگون توضیح داده است و کوشیده تا ادعا کند جهان و هرچه در آن است بین وجود محض و عدم صرف، معلق‌اند، هم خدایند و هم غیر خدا.

بخش دوم کتاب که با سرفصل عوالم خیال مجزا شده نیز شامل سه فصل است که در این سه فصل به مکاشفه، ملاقات با انسانهای برزخی و مرگ و حیات پس از آن رویکردی عرفانی صورت گرفته است. چیتیک در فصل مکاشفه، خیال را برزخ میان دو حقیقت یاد و عالم می‌داند و

معتقد است در توصیف یک صورت خیالی باید هم تجربه ذهنی در نظر گرفته شود و هم واقعیت عینی. آنزال معانی مجرد و تاویل عرفانی معراج نبی از قسمتهای قابل توجه این فصل هستند. در فصل ملاقات با انسانهای برزخی این نظرگاه موشکافانه شیخ مورد بحث قرار می‌گیرد که تمایز یک شیء خیالی و یک شیء حسی، معرفتی لطیف می‌طلبد و در واقع، کسب این معرفت یکی از سخت‌ترین امور است.

در این فصل از دیدارهای شیخ با افراد متعدد و متفاوت چون خضر و دیگران سخن به میان می‌آید و چیتیک می‌کوشد با شرح و بسطی عالمانه آنها را در مسیر بحث محوری این بخش یعنی عوالم خیال پیش ببرد. فصل ششم نیز در باب مرگ و حیات پس از مرگ است. مؤلف در این فصل به منابع مختلف حدیثی رجوع می‌کند تا در سایه تفسیری عرفانی، این آیه قرآن که «پیشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند» را در جامه فهمی نو عرضه نماید.

یکی از تشابهات میان برزخ و قیامت در این فصل آن است که در هر دو، حقایق اشیاء روشن‌تر از عالم دنیا ظهور می‌یابند و به همین دلیل است که نفس، هنگام ورود به عالم برزخ جایگاه حقیقی خویش را درک می‌کند. در این فصل یکی از مناقشه‌آمیزترین آموزه‌های ابن عربی که عذب را با عذاب یعنی شیرینی مترداف می‌داند و به سرد شدن آتش جهنم معتقد است نیز، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش سوم کتاب نیز با موضوعیت اختلاف ادیان می‌کوشد در سه فصل به شریعت، اختلاف عقاید و اصول الهی دین پردازد تا از این منظر اختلاف شرایع تحت زمینه‌های معرفتی مختلف چون اختلاف نسب الهی، اختلاف ازمان، اختلاف احوال، اختلاف حرکات، اختلاف تجلیات و غیره به رسمیت شناخته شود.

چیتیک در این فصول سه‌گانه به این نکته توجه عمیقی دارد که همانگونه که خداوند هیچ‌گاه مثل هم تجلی نمی‌کند وضع طرق سعادت هم هرگز قبول تکرار نمی‌کند. چیتیک این نظر را به این نحو بسط می‌دهد که شرایع از آن جهت مختلف‌اند که امکان مختلف نبودن آنها وجود ندارد. آنها همه به وجودی واحد بازمی‌گردند اما هر کدام طبق مشیت الهی در جهت سعادت انسان، تعیین خاصی از وجود را می‌پذیرند. چیتیک در فصل پایانی کتاب معتقد است شاید بررسی همه‌جانبه دیدگاه ابن عربی به لحاظ انتقادی و روش‌شناسی خود یک گره در کار بیندازد که حل آن بسی سخت باشد اما با ارزش قائل شدن برای وضعیت دست‌نیافتنی گشودن همه گره‌ها، رویکرد ابن عربی می‌تواند بصیرت خاصی بدست دهد که در آن هر شریعتی، عالم خیال منحصر به فرد خویش را وضع می‌کند که توسط خیال الهی یعنی «نفس الرحمن» تکوین می‌یابد و هدف خاص آن عبارت است از قادر ساختن انسان بر فائق آمدن وی بر بعد و برقراری قرب و سیر از عدم اعتدال به اعتدال... و در تاریخ تصوف شاید بتوان گفت: ادعای دین محبت که ابن عربی از آن یاد می‌کند و می‌گوید «فالحب دینی و ایمانی» ادعای کم‌نظیری باشد و مبرهن است آنکه دین محبت را ندا درمی‌دهد به اختلاف شرایع و ادیان نیز از جانبی متفاوت و مطابق با حکمت الهی نظر می‌افکند.